



نقشه ۱: موقعیت جغرافیایی محوطه‌های باستانی

صفه بردنشانده به شکل مستطیل است و به دو بخش فوقانی (مرحله II و I) و تحتانی (مرحله III) تقسیم شده است. (نقشه ۲) طول کلی صفه ۱۵۷/۲۰ متر و عرض آن ۷۲ متر است. این صفه در سه مرحله توسعه یافته است. مرحله یکم صفه فوقانی با وسعتی برابر ۲۹۷۰ مترمربع ساخته شده و دارای دو رشته پلکان، پلکان A در ضلع شمال غربی و پلکان B در زاویه شمالی وجه شمال شرقی بوده است. در مرحله دوم گسترش، وسعت صفه به ۷۶۷۵ مترمربع رسیده است. در این مرحله نیز صفه دارای دو رشته پلکان، پلکان C در ضلع جنوب غربی و پلکان D در ضلع شمال غربی است. وسعت بخش تحتانی (مرحله سوم توسعه) ۵۶۳۹ مترمربع است. این صفه دارای یک رشته پلکان (E) در ضلع شمال غربی می‌باشد.

صفه بردنشانده از سنگهای کوچک و بزرگ کوهی قواره ساخته شده که ابعاد و اشکال یکسانی ندارند و به صورت خشکه چین و بدون ملات ساخته شده است. نمای صفه‌ها که پرداخت شده، از پشت‌بندهایی تشکیل شده که باعث ایجاد سایه روشن در

دستوا، گلالک شوشتر و صالح داود نزدیک ایوان کرخه که بازگو کننده سنت های تدفین و باورهای دینی الیمائی‌ها می‌باشد.

پژوهش انجام شده در سه فصل تدوین و نگارش یافته است:

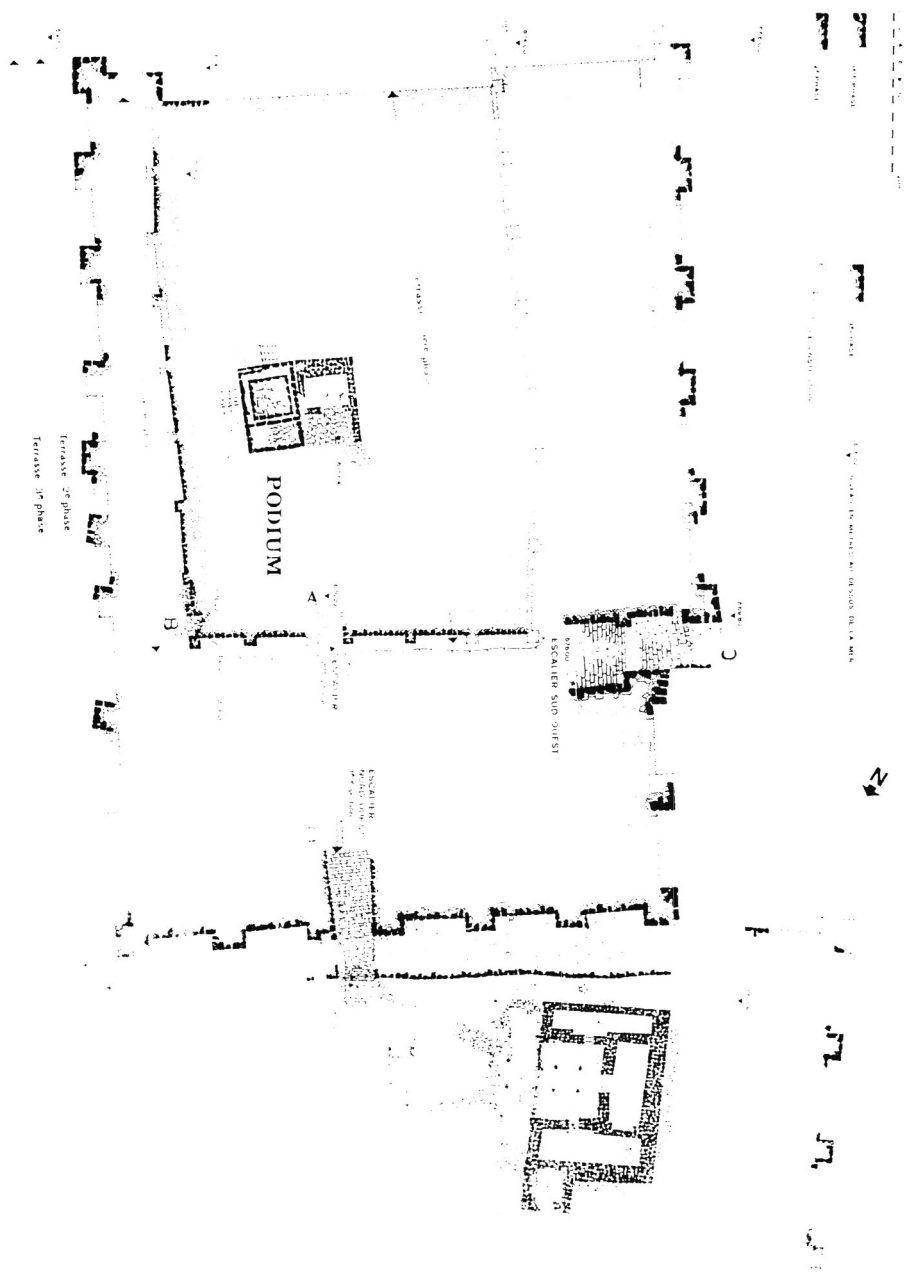
فصل اول شامل کلیات می‌باشد. در این فصل ابتدا به اختصار به تاریخ اشکانیان و الیمائیان اشاره شده و سپس به وضعیت مذهبی اشکانیان و الیمائیان پرداخته شده که در واقع پایه‌ای نظری و مدخلی برای بحث روی بناهای مورد نظر می‌باشد. شناخت ما از اوضاع مذهبی اشکانیان و الیمائیان متکی بر متون تاریخی و مدارک باستان‌شناختی است. بطور کلی در گستره امپراطوری اشکانی تنوع و تسامح مذهبی به چشم می‌خورد. در قلمرو غربی و شرقی امپراطوری اشکانی آئین‌های گوناگونی رواج داشته است. وضعیت مذهبی فلات ایران نیز نشان می‌دهد که مذهب زرتشت دین رسمی این دوره نبوده و ما دلایل محکمی بر وجود دین زرتشت در این دوره نداریم. در بررسی دین الیمائیان مشخص شده که این قوم کوه نشین اعتقادات قومی خود را داشته و ایزدان محلی را می‌پرستیدند و مدارک و شواهد ارائه شده از باورهای الیمائی گرایش‌های سامی و یونانی را نشان می‌دهد و هیچ شاهدی از کیش زرتشت در میان الیمائی‌ها دیده نمی‌شود.

فصل دوم به معرفی مکانهای مورد بحث اختصاص دارد که شامل موقعیت جغرافیایی، وجه تسمیه، پیشینه تحقیقات، توصیف معماری، تحلیل نقشه معابد، شرح اشیاء، جمع بندی و نتیجه‌گیری می‌باشد.

در اینجا به شرح مختصر مکانهای مورد بحث می‌پردازیم:

۱- بردنشانده: (نقشه ۱)

بردنشانده در ۱۶ کیلومتری شمال شرق شهر مسجد سلیمان در کنار جاده کوهستانی که بطرف سدهای مسجد سلیمان منتهی می‌شود واقع شده است. طی سده بیستم محققینی چون اونوالا، اشتاین، گیرشمن، گدار، واندنبرگ، شیپ من و کالج مطالبی را در باره این بنا نگاشته‌اند همه این نویسندگان در آتشکده بودن بنا اتفاق نظر دارند. کاوشهای باستان‌شناختی در این محل در سالهای ۱۹۶۶-۱۹۶۴ به سرپرستی گیرشمن صورت گرفته است.



نقشه ۷: برد نچاندِه، صفا برد نچاندِه (Chirshman, Roman, Terrasses Sacrees de Bard-e Nechandeh et Masjid-i Solaiman, Vol I, plan I)

بنا شده است. (تصویر ۱)

بر صَفّه فوقانی (I) سکوی نیایشی ساخته شده که سه مرحله ساخت و ساز را نشان می‌دهد. بطوریکه شکل اولیه آن از مربع به مستطیل تغییر کرده است. در داخل سکو از سنگهای تراشیده و در نمای آن از سنگهای تراشیده استفاده شده است.

در ضلع جنوبی صَفّه تحتانی (مرحله III) بنایی بدست آمده است که گیرشمن آنرا معبد چهار ستونی نامیده است. (تصویر ۲) نمای معبد از رواقی تشکیل شده که کف آن سنگ فرش و سقف آن بر روی ۱۶ ستون در دو ردیف هشت تایی استوار شده است. رواق به یک تالار چهار ستونی منتهی می‌شود که در سه طرف آن سه اتاق مستطیل شکل قرار گرفته که بین آنها راه ارتباطی وجود ندارد. هریک از این سه فضا از طریق یک ورودی به تالار راه می‌یابند. از ویژگیهای معماری این معبد، می‌توان به سبک ستون سازی اشاره کرد. ستونهایی که در این معبد بکار گرفته شده از سبک والگوی واحدی پیروی نمی‌کنند. بطوریکه برخی ستونها پایه ستون نداشته و آنها را در داخل زمین قرار داده‌اند. میان ستونها ارتفاع یکسانی ندارند. میان ستونها در اشکال مدور و هشت ضلعی با نقوش انسانی، شیار دار و ساده هستند. با توجه به تنوع ستونها به نظر می‌رسد این ستونها احتمالاً از مکان دیگری آورده شده و در این بنا مورد استفاده مجدد قرار گرفته‌اند.

سرستونها بصورت هرم معکوس با قاعده چهار ضلعی و

ناقص هستند. ارتفاع و طول و عرض آنها متفاوت بوده، بطوریکه طول و عرض قسمت فوقانی سرستون بیشتر از قسمت تحتانی آن می‌باشد. مشابه چنین سرستونهایی در سایر محوطه‌های اشکانی نظیر، قلعه یزدگرد، آشور، اوروک و سلوکیه شناخته شده است.

نقوشی که بر روی این ستونها اجرا شده از لحاظ تکنیک حجاری و پرداخت نقوش ضعیف و فاقد ظرافت می‌باشد.

۲ - مسجد سلیمان:

صَفّه مسجد سلیمان در حاشیه شمالی شهر مسجد سلیمان بر دامنه کوهی ساخته شده است بطوریکه از جانب غرب به کوه تکیه داشته و از طرف شمال، شرق و جنوب بوسیله سنگهای کوچک و بزرگ صَفّه سازی شده است. (تصویر ۳ و ۴)

در سده نوزدهم لایارد از مسجد سلیمان بازدید و آنرا توصیف کرد. طی سده بیستم محققینی چون هرتسفلد، اونوالا، سیرو، اشتاین، اردمن، گیرشمن، گدار، استن، فرانکفورت، استروناخ، واندنبرگ، شیپ من و کالج در باره این بنا اظهار نظر کرده‌اند. همگی بنا را آتشکده معرفی کرده و تاریخی از هخامنشی تا ساسانی برای آن در نظر گرفته‌اند. کاوشهای باستان شناختی در این محل از سال ۷۲-۱۹۶۷ به سرپرستی گیرشمن انجام گرفت.

صَفّه مسجد سلیمان در دو مرحله ساخته شده است. (نقشه ۳)



تصویر ۲ - بردنشانده، صَفّه برد نشانده، معبد چهار ستونی



تصویر ۱ - بردنشانده، صَفّه برد نشانده، نمای شمال غربی صَفّه



تصویر ۴ - مسجد سلیمان، صفا مسجد سلیمان، نمای غربی صفا

سبک هخامنشی ساخته شده است نشان دهنده استفاده از سبک محلی توسط هنرمند الیمائی است که بنظر می‌رسد برای سبک ستونهای مسجد سلیمان همانند بردنشانده بایستی خاستگاهی محلی در نظر گرفت و آنرا از ویژگیهای هنر معماری الیمائی قلمداد کرد.

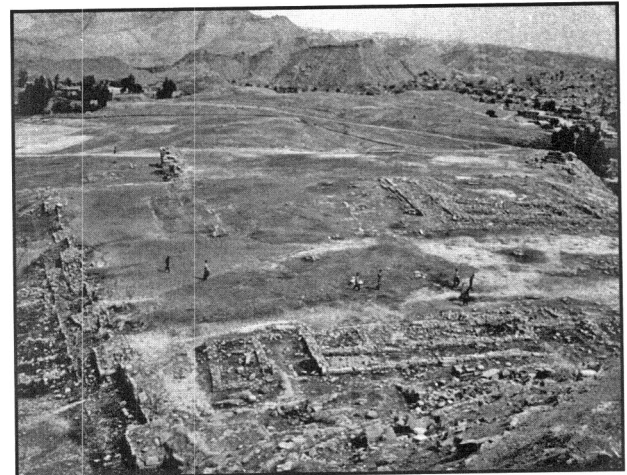
قسمت مرکزی معبد که از یک حیاط، پیشخوان محراب و محراب تشکیل شده توسط راهرویی احاطه شده است.

در ضلع غربی صفا معبد هرکول بنا شده که دو مرحله ساخت را نشان می‌دهد در مرحله اول اتاق پیشخوان محراب و محراب ساخته شده و در مرحله دوم، معبد توسعه یافته و در زوایای شمالی و جنوبی دو اتاق به معبد اضافه می‌شود.

۳ - شمی:

دره شمی در ۴۰ کیلومتری شمال غرب شهر ایذه در منطقه‌ای کوهستانی و در جنوب روستای کل چنار واقع شده است. امروزه معبدی که اشتهای کاوش نموده دیگر قابل تشخیص نیست. بختیارها بقایای این معبد را به عنوان مصالح ساختمانی استفاده کرده‌اند. معبد شمی در ارتفاع ۱۲۰ متری دره شمی واقع شده است.

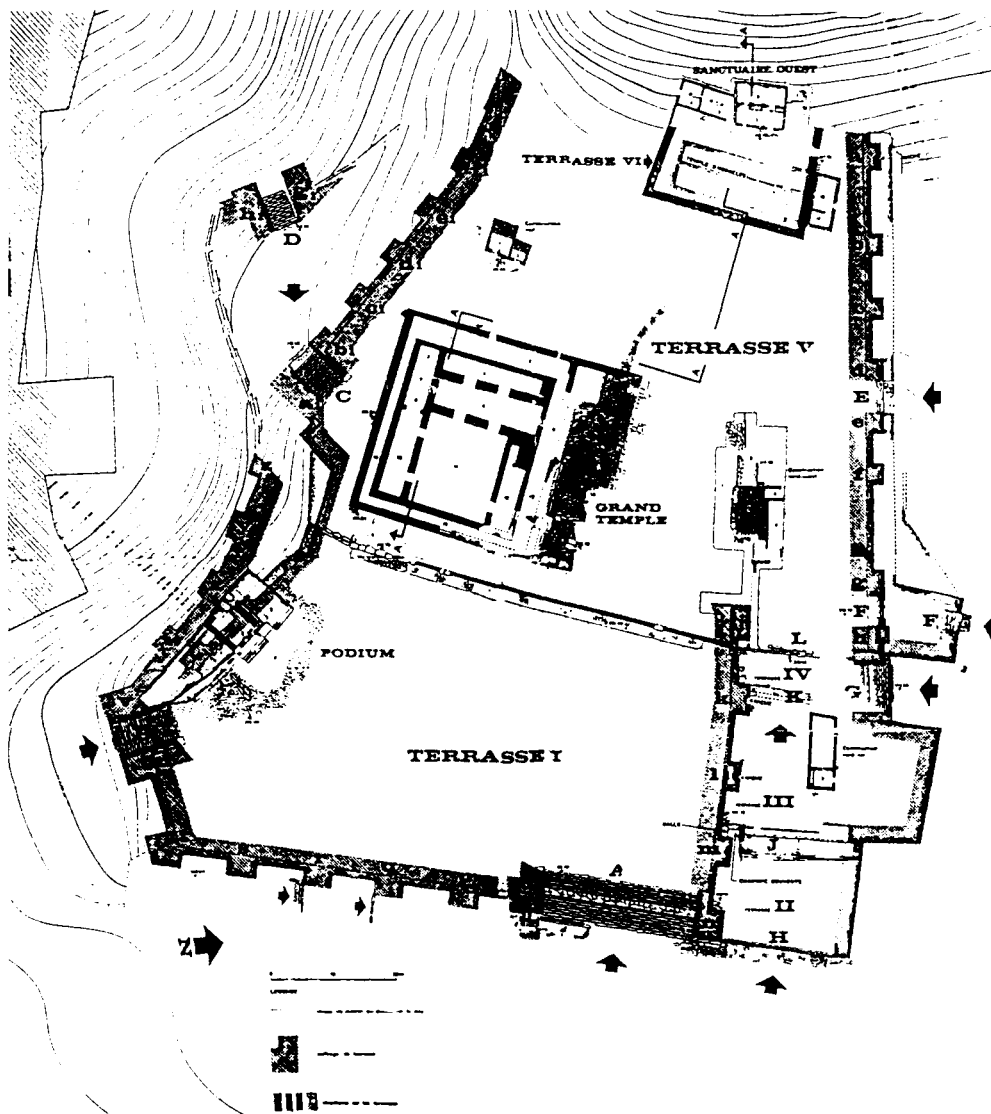
به هنگام پی‌کنی برای ایجاد ساختمانی در شمی پیکره بزرگ مفرغی شمی و قطعات کوچک دیگری از مجسمه‌ها توسط روستائیان کشف شد. به دنبال این کشف اشتهای در سال ۱۹۳۶



تصویر ۳ - مسجد سلیمان، صفا مسجد سلیمان، نمای کلی صفا

مرحله اول شامل صفا (I) می‌باشد که از سه ضلع شمالی، شرقی و جنوبی با پشت بندهایی تقویت شده است. راه دسترسی به این صفا از طریق چهار رشته پلکان صورت می‌گیرد: پلکان A در نزدیکی زاویه شمال شرقی صفا، پلکان B در زاویه جنوب شرقی، پلکان C در ضلع جنوبی صفا و پلکان D در پایین پلکان C. در ضلع جنوبی صفا سکوی نیایشی برپا شده که دو مرحله ساخت و ساز را نشان می‌دهد که در نهایت سکوی نیایش تبدیل به یک بنای سه‌ایوانی می‌شود که شامل یک ایوان مرکزی و دو ایوان جانبی است. مرحله دوم توسعه صفا شامل صفا های II تا VI می‌باشد. در این مرحله صفا از سمت غرب و شمال گسترش پیدا کرده و هفت رشته پلکان G و F2 و F1 و E و L و K و لو H در ضلع شمالی صفا ساخته می‌شود. بر روی صفا دو معبد برپا شده که کاوشگر آنها را معبد بزرگ و معبد هرکول نامیده است.

معبد بزرگ سه مرحله ساخت و ساز را نشان می‌دهد. نقشه معبد در مرحله سوم آن تشکیل شده از یک رواق در نمای معبد که سقف آن بر روی سه ردیف ستون استوار شده است. ردیف خارجی آن از ۸ ستون، ردیف میانی از ۷ ستون و ردیف داخلی از ۶ ستون تشکیل شده است. تنوع بکار گرفته شده در سرستونهای رواق معبد بزرگ جالب توجه است. سرستونها به شکل قسمت قدامی دو حیوان پشت بهم کرده و به شکل چهارگوش می‌باشد که با نقوش انسانی و گیاهی تزئین شده‌اند. این سرستونها از لحاظ شکل، نقش و اجرای آنها بر روی سنگ به غیر از سرستونی که به



نقشه ۳: مسجد سلیمان، صفا مسجد سلیمان

(Ghirshman, Roman. Terrasses Sacrees de Bard-e Nechandeh et Masjid-i Solaiman, Vol I, plan III)

و عرض ۱۲/۱۹ متر ساخته شده است. دیوارهای محصورکننده معبد با ضخامتی در حدود ۱/۳۶ متر از خشت خام بوده که روی پی های سنگی ساخته شده است. بخش مرکزی معبد بدون پوشش و روباز بوده است. در میان بقایای ساختمانی سالمترین بخشی که حفظ شده سکوی آجری است بطول ۱/۷۳ و عرض ۱/۱۶ متر و ارتفاع ۱/۱۹ متر که بعنوان سکوی قربانی استفاده می شده است. (رکد: نقشه ۴) همچنین دو محوطه آجر فرش D و

به مدت یک هفته در این محل به کاوش پرداخت. پس از وی محققین دیگری چون کومن، گدار، سیریگ، رستوزوف، هاپکینز، گیرشمن، واندنبرگ، روزنفلد، شیپ من، کالج، هرمان، شروین وایت، کوامی، ماتیسن و سرخوش غالباً در باره مجسمه بزرگ مفرغی شمی بحث کرده اما در باره ساختار معماری معبد شمی اظهار نظری نکرده اند. معبد شمی به شکل مستطیل است (نقشه ۴) بطول ۲۲/۸۶ متر

مکشوفه نشان می‌دهد که بر روی صفه مراسم بخورسوزی انجام می‌گرفته است.

۲- با مطالعات انجام شده بر روی باورهای دینی الیمائی‌ها، ساختار معماری معبد چهار ستونی و اشیاء مکشوفه از آن مشخص شد که معبد چهار ستونی به ایزدان آناهیتا و میترا تعلق ندارد و داده‌های موجود امکان پاسخگویی به این که معبد مربوط به کدام ایزد الیمائی است به ما نمی‌دهد.

۳- تمامی صفه بردنشانده در عصر اشکانی توسط معماران الیمائی ساخته شده است. مرحله اول آن احتمالاً در اواسط قرن دوم ق.م بناشد. توسعه صفه در مرحله دوم احتمالاً در قرن اول میلادی صورت گرفته است و توسعه مرحله سوم صفه احتمالاً مربوط به قرن دوم میلادی است.

۴- معبد چهار ستونی با توجه به سکه‌های مکشوفه در قرن دوم میلادی بنا شده است.

ب: کاربری و گاهنگاری صفه و معابد مسجد سلیمان:

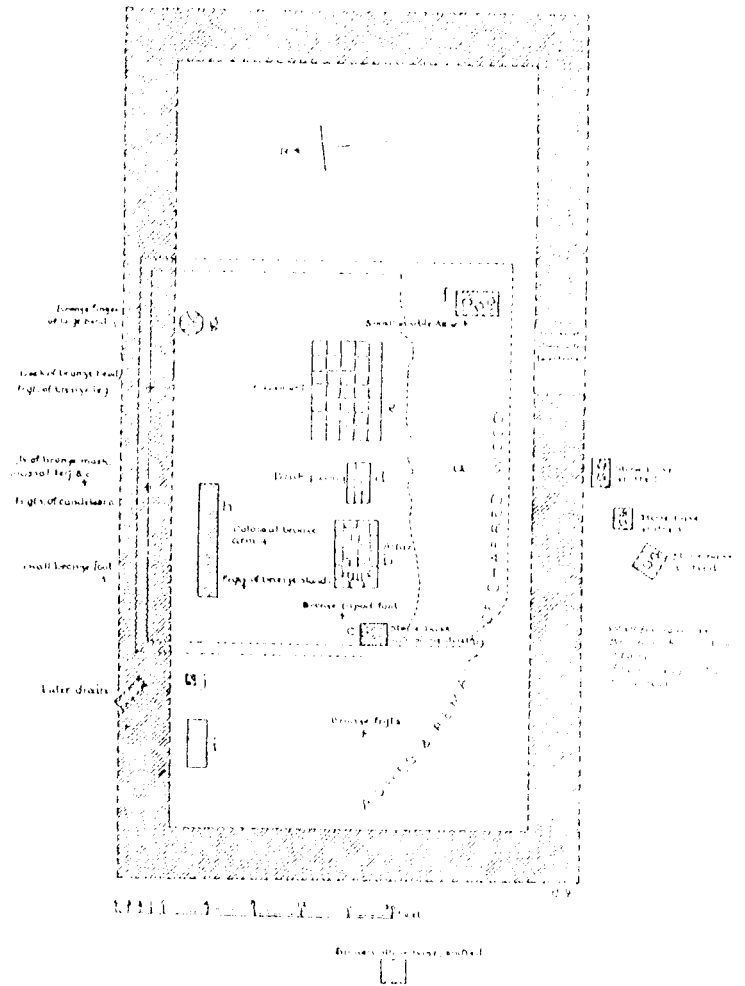
۱- صفه و سکوی نیایش مسجد سلیمان همانند صفه و سکوی نیایش بردنشانده در ارتباط با آئین زرتشت نبوده و با توجه به نقش برجسته‌هایی که بخورسوزی را نمایش می‌دهند احتمالاً چنین مراسمی بر روی صفه انجام می‌شده است.

۲- مرحله اول معبد بزرگ وقف آتنا شده است. مرحله دوم و سوم معبد بزرگ با توجه به مطالعاتی که روی مذهب الیمائی‌ها، ساختار معماری و اشیاء مکشوفه از معبد بزرگ انجام گرفته نمی‌تواند به ایزدان آناهیتا و میترا اختصاص داشته باشد و به دلیل عدم آگاهی در باره دین الیمائی‌ها برای ما ایزد پرستش شده در این معبد شناخته شده نیست.

۳- معبد هرکول که با توجه به پیکردها و نقش برجسته‌های مکشوفه در معبد، هویت ایزد پرستش شده محرز است.

۴- ساخت هر دو مرحله صفه مسجد سلیمان همانند صفه بردنشانده در دوره اشکانی و بوسیله معماران الیمائی انجام شده است. مرحله اول آن احتمالاً از اواسط قرن دوم ق.م بنا شده و توسعه آن احتمالاً در قرن اول میلادی صورت گرفته است.

۵- معبد بزرگ در سه مرحله، در دوره اشکانی توسط الیمائیان



نقشه ۴: شمی - معبد شمی

(Stein, Sir Aurel, Old Routes of Western Iran, p.)

F: در غرب سکوی مرکزی و نزدیک دیوار شمالی معبد دیده می‌شود. در بخش جنوب غربی معبد بقایای خاکستر بدست آمده است.

فصل سوم رساله شامل کاربری و گاهنگاری است. در این فصل نظر کاوشگران در باره کاربری و گاهنگاری بناها مطرح سپس به نقد آنها پرداخته شده است که به اختصار به نتایج حاصله اشاره می‌شود.

الف: کاربری و گاهنگاری صفه و معبد بردنشانده:

۱- صفه بردنشانده و سکوی نیایش آن هیچگونه ارتباطی با دین زرتشتی و مراسم نیایش آتش ندارد و نقش برجسته‌های

ساخته شده است. تاریخ قطعی مرحله اول به طور روشن مشخص نیست. مرحله دوم و سوم آن احتمالاً در قرن اول میلادی ساخته شده و معبد تا اواسط قرن چهارم میلادی برپا بوده است.

۶- معبد هرکول احتمالاً در قرن اول میلادی ساخته شده و تا اواسط قرن چهارم میلادی از آن استفاده می شده است.

ج - کاربری و گاهنگاری بنای شمی:

۱- هیچ دلیلی برای آنکه معبد شمی را نیایشگاهی در ارتباط با آئین سلوکی بدانیم نداریم و به علت محدودیت اطلاعات موجود نمی توان با اطمینان از کاربری آن صحبت کرد.

۲- امکان یک تاریخگذاری دقیق برای معبد شمی میسر نیست. احتمالاً معبد شمی در یک فاصله زمانی بین قرن اول تا قرن دوم میلادی ساخته شده است.

صَفَه های بردنشانده، مسجد سلیمان و شمی معرّف هنر معماری الیمائی ها در قلب سرزمین آنها یعنی کوههای بختیاری است. توسعه صَفَه ها در برد نشانده و مسجد سلیمان نشان دهنده اهمیت این مراکز مذهبی است. این صَفَه ها از اواسط قرن دوم ق.م تا اواسط قرن چهارم میلادی فعال بوده و با پیوستن سرزمین الیمائیس به حکومت ساسانی تغییری در اعمال مذهبی الیمائی ها بوجود نیامده است. سرانجام هر سه این مکانهای مذهبی تخریب شده اند.

معماری صَفَه های بردنشانده و مسجد سلیمان یک معماری سنگی را نشان می دهد که بر مصالح بومی تکیه کرده است و در ساخت و ساز آن بطور گسترده از سنگ که به وفور در این منطقه یافت می شود استفاده شده است. در شمی نیز از سنگ و خشت برای برپایی معبد استفاده کرده اند.

الیمائی ها برای ساخت معابد خود از سنت صَفَه سازی بهره گرفته اند. صَفَه هایی که توسط معماران الیمائی ساخته شده از ظرافت و دقت زیادی برخوردار نیستند. همچنین در ساخت معابد دقت و مهارت زیادی صرف نشده است تا آنجا که نتیجه کاوشها

نشان می دهد معابد احتمالاً فاقد تزئینات معماری نظیر گچبری و نقاشی بوده اند. در ازاره دیوارهای معابد از سنگ های نتراشیده با ملات گچ و ساروج استفاده شده و قسمت فوقانی دیوارها از خشت ساخته شده اند. معبد شمی نیز با زیر ساختی سنگی و روساختی خشتی بنا شده است.

ستونهای رواق معبد چهار ستونی بردنشانده و معبد بزرگ مسجد سلیمان با یک اسلوب واحدی ساخته نشده اند بطوریکه میان ستونها و سرستونها اندازه و شکل یکسان ندارند. به نظر میرسد تزئین میان ستون با نقش انسانی در میان الیمائی رواج داشته بطوریکه دو نمونه از آن از بردنشانده و مسجد سلیمان شناخته شده و نمونه ای نیز از ایزد شناسایی شده است.

در ساخت سرستونها از سبک ستون سازی یونانی دوریک، ایونیک و کورنتی که در سایر محوطه های اشکانی رایج بوده پیروی نشده است. فقط یک سرستون که دو حیوان پشت بهم کرده را نشان می دهد به سبک سرستونهای هخامنشی ساخته شده است. برخی از سرستونها به شکل چهار گوش بوده و برخی دیگر به شکل هرم معکوس با قاعده چهار ضلعی و ناقص هستند که عرض قسمت فوقانی آنها بیشتر از قسمت تحتانی است. سرستونهای مشابهی از اوروک، سلوکیه و قلعه یزدگرد بدست آمده است با این تفاوت که در ساخت اینها از مصالحی چون آجر و گچ استفاده شده اما در بردنشانده و مسجد سلیمان سرستونها از سنگ ساخته شده است. از نظر نقوش و تزئینات نیز با یکدیگر متفاوت می باشند در مجموع به نظر می رسد ستون سازی الیمائی دارای ویژگیهای خاص خود بوده و بیشتر از یک سبک محلی پیروی کرده است.

الیمائی ها در ساخت معابد از الگوی معماری ایرانی (اتاق چهار ستونی با فضاهای پیرامونی آن) و بین النهرینی (متشکل از اتاق پیشخوان محراب و اتاق محراب) استفاده کرده اند. بطوریکه معبد چهار ستونی با نقشه ایرانی، معبد بزرگ و معبد هرکول با نقشه بابلی ساخته شده اند.